



نُت + کتَاب

## عاشقی با کتاب

گفت‌وگو با داوود امیریان  
نویسنده ادبیات طنز و دفاع مقدس»

اولین باری که داوود امیریان هوس کتاب خواندن به سرش زد، هنوز حروف الفبا را کامل بلد نبود. امروز او جزو نویسندگانی است که آثارش پرفروش هستند. امیریان چندین عنوان کتاب تألیف کرده و رهبر شهید انقلاب هم بر یکی از کتاب‌هایش تقریظ نوشته بود. او از همان کلاس اول دبستان، نه با هدف و نقشه که با عشق و شیفتگی پا به دنیای کتاب‌ها گذاشت؛ عشقی که هنوز ادامه دارد. ماجرای کتابخوان شدن داوود امیریان را در این گفت‌وگو می‌توانید بخوانید:

## چطور در دنیای کتاب‌ها پا گذاشتید؟

من پا نگذاشتم، توش غرق شدم. از همان موقع که حروف الفبا را یاد گرفتم، یعنی حتی کلاس اول را تمام نکرده بودم، کتاب خواندن را شروع کردم و اسیرش شدم، عاشقش شدم و هنوز این عاشقی ادامه دارد.

## اولین مواجهه جدی‌تان با کتاب را به خاطر

## می‌آورید؟ کی و چطور اتفاق افتاد؟

خب، اولین کتابی که شروع کردم، کتاب درسی بود. البته بابام کتاب امیرارسلان می‌خواند، شاهنامه می‌خواند، مجله می‌خواند و این تصویر برایم جذاب بود؛ اما بچه بودم و سواد خواندن و نوشتن نداشتم. اولین کتابی که

جدی خواندم، همان کتاب فارسی اول ابتدایی بود. هنوز سال اول تمام نشده بود که افتادم به کتاب خواندن. طبیعتاً خواندن کتاب‌های کودک برایم راحت‌تر بود؛ اما آن‌زمان کتاب مناسب برای بچه‌ها کم بود. بیشتر کتاب‌ها فانتزی بودند دیگر... قصه سیندرلا و سفیدبرفی و الاغ دانا و خر دانشمند و از این دست کتاب‌ها. کتاب‌ها بازاری بودند؛ مثل الان نبود.

**در دوران نوجوانی چقدر کتاب می‌خواندید؟ چه**

**نوع کتاب‌هایی را بیشتر دوست داشتید؟**

وحشتناک می‌خواندم. هرچی دستم می‌رسید می‌خواندم. کتاب مناسب برای ما نبود، برای همین بیشتر

از همان کودکی، یعنی دوم و سوم ابتدایی، کتاب‌های بزرگسال می‌خواندم. توی بچه‌های فامیل، کتاب‌های پلیسی خیلی طرفدار داشت، من هم با همان کتاب‌ها شروع کردم. کتاب‌های پلیسی زیاد می‌خواندم، کتاب‌های به اصطلاح ترسناک، کتاب‌های عامه‌پسند و عاشقانه. این‌ها را می‌خواندم، اما خودم بیشتر داستان‌های طنز را دوست داشتم؛ به خصوص «عزیز نسین» را خیلی دوست داشتم. بعد هم با «مارک تواین» و آثارش مانند «تام سایر» و «هاکلبری فین» آشنا شدم. واقعاً عاشقانه می‌خواندمشان.

**الان سلیقه‌تان در مطالعه، غیر از کتاب‌های**

**تخصصی و نظری، چقدر با دوران نوجوانی‌تان**

**فرق کرده؟**

الان هدفمند می‌خوانم. سلیقه‌ام فرق کرده، اما هنوز هم کارهای کلاسیک را دوست دارم. شاید باورتان نشود، ولی هنوز «بینوایان» را دوست دارم. کارهای همینگوی و امیل زولا را خیلی دوست دارم. کارهای روس‌ها را زیاد دوست ندارم؛ چون خواندن و تلفظ اسم‌هایشان خیلی سخت است، اما مثلاً «دُن آرام» و کتاب‌هایی از این دست را بارها خوانده‌ام. بیشتر کارهای طنز می‌خوانم. الان دیگر در خواندن به جایی رسیده‌ام که یک داستان باید برایم تازه

باشد. اگر ده پانزده صفحه اول کتاب من را نگیرد، آن را کنار می‌گذارم. درست مثل فیلم دیدن. به فیلم‌ها ده دقیقه فرجه می‌دهم. اگر داستان فیلم من را گرفت که ادامه می‌دهم، اگر نتوانست من را نگه دارد، باقی فیلم را به عطاش می‌بخشم و نگاه نمی‌کنم. کتاب هم برایم همین‌طور است.

**می‌دانستید رهبر شهید انقلاب یک کتاب‌خوان**

**حرفه‌ای بودند؟ کی و چگونه متوجه علاقه ایشان**

**به مطالعه و کتاب‌خواندن شدید؟**

بله! چرا نمی‌دانستم؟ ... من بیست‌ساله بودم که اولین بار ایشان را دیدم. از همان‌جا متوجه شدم که ایشان

کتابخوان خیلی حرفه‌ای هستند و از ماها بیشتر کتاب خوانده‌اند. تشویق‌هایشان برای ما خیلی مؤثر بود: روح‌شان شاد. بعدها هم که در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایشان دیدم که ایشان واقعاً کتاب‌های خوبی خوانده‌اند. در خاطراتشان دیدم که ایشان هم از نوجوانی مثل ما عاشق کتاب بوده‌اند و خیلی خوب هم کتاب خوانده‌اند. این برای من خیلی جالب بود.